

ذاتی یا عرضی بودن نیازمندی قرآن به تفسیر

نفسیه کریمی

چکیده:

بحث در مورد نیازمندی قرآن به تفسیر از دیرباز وجود داشته، و رویکرد افراد در این زمینه متفاوت بوده است. عده ای از اساس نیاز و قرآن به تفسیر را انکار نموده و معتقدند این نیاز با فصاحت و بلاغت و مبین بودن قرآن نمی سازد، و گروهی دیگر قرآن را نیازمند تفسیر و معرفی کرده اند.

خود افرادی که معتقد به نیازمندی کتاب آسمانی به تفسیر هستند دو رویکرد متفاوت دارند. گروهی نیاز به تفسیر را ذاتی و عده ای دیگر عرضی می دانند. به نظر می آید پذیرش یکی از این دو رویکرد لزوماً نفی دیگری نمی کند، و قرآن به دلایلی چون وجود آیات محکم و متشابه، مبهم و مجمل بودن آیات نیازمند تفسیر ذاتی است. ویژگی هایی چون خصوصیت زبانی الفاظ قرآن، عدم آشنایی همگان با فنون و علوم ادبی، نیازهای عصری و فاصله گرفتن از عصر نزول قرآن جز نیازمندهایی عرضی قرآن کریم به تفسیر می باشد.

کلید واژه: تفسیر، نیاز ذاتی، نیاز عرضی

مقدمه

با توجه به اینکه قرآن از عصر پیامبر همواره مورد تبیین از طرف پیامبر و ائمه معصومین قرار گرفته است، از دیرباز دو نظریه در این زمینه وجود داشته است که عده ای معتقد بودند قرآن به دلیل فصاحت و بلاغت و هدایت جهان شمول خود بی نیاز از تفسیر می باشد در مقابل گروه دیگر به نیازمندی قرآن به تفسیر رای دادند و برای این مبنا استدلالات روایی و قرآنی آورده اند.

پذیرش مبنای کسانی که تفسیر به قرآن را مجاز می دانند به دو رویکرد می انجامد. رویکرد اول کسانی که نیاز به تفسیر قرآن را ذاتی می دانند و می گویند ذات قرآن نیازمند تبیین و تفسیر است به دلیل وجود تشابهات، تخیلات، مبهمات و رویکرد دوم متعلق به کسانی است که قائلند نیاز به تفسیر عارضی است علامه طباطبایی در این مورد می فرماید: قرآن دارای مقاصد روشن و واضح است و در دلالت بر مقاصد خود مستقل از بیان پیامبر و ائمه معصومین می باشد و آیات قرآن به کمک یکدیگر تفسیر می شود. علامه معرفت هم نشری شبیه به علامه دارد و معتقد است که متن قرآن طور ذاتی فاقد هر گونه اجمالی و ابهامی است، لذا از آنجا که ذاتاً روشن است و نیازی به تفسیر ندارد و این امور عرضی است که سبب نیازمندی قرآن به تفسیر شده است.

در هر حال چه دلیل نیاز قرآن به تفسیر عارضی باشد چه ذاتی. بدون تفسیر دلایل و مقاصد قرآن نامفهوم و ابتر می ماند. ظاهراً منافاتی وجود ندارد که بپذیریم گاهی قرآن از جهت متن و محتوای خود نیازمند تفسیر است (نیاز ذاتی) و گاهی به دلیل وجود عوامل بیرونی (نیاز عرضی) وضع هر دو رویکرد با یکدیگر امکان پذیر است.

در میان کتاب های تفسیری و علوم قرآنی کتابی که مستقلاً به این موضوع بپردازد وجود ندارد. بلکه بزرگان در خلال تفسیر آیات مباحث محکم و متشابه به صورت گذرا و موجز به این مسئله اشاره کرده اند. در این زمینه تنها دو اثر وجود دارد یکی مقاله دکتر محمد کاظم شاکر و دیگری مقاله ای زکیه جوانمردی.

در این نوشتار ابتدا به تبیین و تعریف تفسیر پرداخته می شود سپس تعریف ذاتی و عرضی و در ادامه ادله قائلین به تفسیر ذاتی مانند وجود آیات متشابه، آیات مبهم و ذویطون بودن قرآن بررسی می شود و بعد ادله قائلین به نیاز عرضی به تفسیر مانند ویژگی های زبانی الفاظ قرآن.

عدم آشنایی همگان با فنون و علوم ادبی، نیازهای عصری و فاصله گرفتن از عصر نزولی قرآن بیان خواهد شد.

نیاز ذاتی یا عرضی به تفسیر قرآن

منظور از نیاز ذاتی به تفسیر این است که آیات قرآن دارای اجمال و ابهام می باشد، و بدون تفسیر امکان فهم درست و صحیح از آن به دست نمیآید .

مراد از نیاز به تفسیر عرضی این است که آیات قرآن به خودی خود دارای دلالت واضح و روشن است و ابهام ندارد، اما به جهت عوامل بیرونی چون تحولات لغت عربی، نیازهای عصری، فاصله گرفتن از فضای نزول قرآن و عدم آشنایی به فنون ادبی و بلاغی قرآن، معارف زیاد و الفاظ محدود دارای ابهام گردیده و برای افراد مشکل شده بنابر این نیازمند تفسیر و تبیین می باشد .

تفسیر:

در تعریف لغوی تفسیر گفته اند: تفسیر از ماده به "فسر" به معنی روشن کردن و توضیح دادن و کشف نمودن است، یا «التفسیر» به معنی اظهار معنی معقول و «تفسیر» مبالغه در «فسر» است (راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۱۴۲۱)

یا «التفسیر» به معنای «بیان» است (فراهیدی، ج ۷، ص ۲۴۷، ۱۴۰۹) برخی نیز معتقدند تفسیر «شرح مجلات» است (زبیدی، ج ۷، ص ۳۴۹، ۱۴۰۴ یا طباطبایی، ج ۱، ص ۴، ۱۳۷۸)

علامه طباطبایی در تعریف اصطلاحی تفسیر می گوید: «التفسیر هر بیان معانی الآیات و الکشف عن مقاصدها و مدالیلها» آیه الله خویی مراد تفسیر را "التفسیر هو ایضاح مراد الله تعالی من کتابه العزیز" می داند.

فهم بسیاری از آیات قرآن اطلاع از فضای اجتماعی و فرهنگی و سیاسی آن زمان و تاحدی آشنایی با فرهنگ عرب ضروری است.

برای نمونه خداوند در سوره توبه می فرماید: «انما النسيء زيادة في الكفر يضل به الذين كفروا يحلونه عاما و يحرمونه عاما ليواطئوا عدة ما حرم الله... جز این نیست که جابه جا کردن ماه های حرام فزونی در کفر است که کافران به وسیله آن گمراه می شوند یکسال آن ماه ها را حرام می کنند و یکسال را حلال تا با عدة ماه هایی که خدا حرام کرده مطابق گردد». (توبه/۳۶)

اعراب جاهلی براساس تقویم قمری عمل می کردند و در پیش از اسلام هم ۴ ماه را حرام می دانستند و در آن جنگ و خونریزی نمی کردند، اما گاهی اوقات از قانون «نسیء» استفاده می نمودند، علی الخصوص زمانی که در جنگ در حال پیروزی بودند و به ماه حرام می رسیدند، ماه حرام را با ماه غیرحرام عوض می کردند و به جنگ ادامه می دادند.

حال اگر بخواهیم این آیه را برای مخاطبین غیر عصر نزول بخوانیم چاره ای نداریم از اینکه «نسیء» را توضیح دهیم.

یا اینکه خداوند در سوره بقره می فرماید: «يسا لونك عن الاهله قل هي موافيت للناس و الحج و ليس البر بان تاتوا البيوت من ظهورها و لكن البر من اتقى و اتوا البيوت من ابوابها؛ از تو سوال می کنند که سبب بدر و هلال چیست؟ جواب ده که در آن تعیین اوقات عبادات و جمع معاملات مردم است نیکوکاری به این نیست که از پشت دیوار به خانه در آیی و لی نیکویی آن است که پارسا باشید و به خانه ها از راه آن داخل شوید و تقوا پیشه کنید باشد که رستگار شوید (بقره/ ۱۸۹)

عادت عرب این بود که اگر کسی برای حج یا عمره احرام می بست و محرم می گردید در حال احرام از خانه یا خیمه وارد نمی شد، بلکه از پشت بام یا از سوراخ دیوار وارد خانه می شد، و این کار را جزء نیکوکاری می دانست، خداوند در این آیه با این سنت غلط جاهلی مبارزه کرده و آن را مذموم می شمرد.

این گونه آیات برای خود اعراب قابل فهم بوده است، اما برای مردم بعد از عصر نزول غیر قابل فهم و نیازمند توضیح و تفسیر عارضی بوده است.

۵- معارف زیاد و محتوای بلند و الفاظ محدود:

قرآن کتابی است که همه آنچه برای تامین زندگی بشر تا قیامت مورد نیاز است را بیان کرده و راهنمای سعادت بشریت است. این حقایق در یک کتاب جمع آوری شده است. عبادات قرآنی دارای حجم بسیار اندک و مختصر با محتوای بلند و معارف متعالی است. همین مسئله باعث می شود تفهیم نیاز الهی نیازمند تامل و تحقیق و تفسیر گردد و نیاز به تلاش فکری ویژه ای داشته باشد.

نتیجه گیری

به نظر می رسد پذیرش ادله هر دو گروه ضروری به فصاحت و بلاغت قرآن و بیان بودن آن نمی زند. یعنی در پاره ای موارد قرآن به دلیل برخی ویژگی های درون متنی مثل آیات متشابه، مجمل و مبهم و ذوبطون بودن آیات نیازمند به تفسیر و متن است که البته نیازمندی ذاتی قرآن به تفسیر در تعداد اندکی از آیات اتفاق می افتد و دلالت بیشتر آیات واضح و روشن است.

از طرفی هر چه از عصر نزولی فاصله گرفته و به تدریج فضای جامعه عوض شده و زبان مردم دچار تحول و تطور گردیده و مذاهب جدلی و کلامی پدید می آید جامعه رشد می کند و تکامل می یابد و شبهات جدیدی درباره پاره ای از آیات مطرح می شود که در اوایل ظهور قرآن به هیچ عنوان وجود نداشت و به دلیل تفاوت علم و آگاهی

مخاطبان نیازهای عارضی در تفسیر رخ می نماید. و روز به روز پس می توان ادله هر دو گروه را پذیرفت و به آن متلزم گردید.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- ازهری، ابومنصور محمد، تهذیب اللغة، ج ۲، دار احیا التراث، بیروت، ۱۴۲
- ۲- ابن اثیر، محمد جذری، النهایه فی غریب الحدیث، ج ۱، مکتبه عثمانیه، بیروت، ۱۳۷۶
- ۳- ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الاعظم، ج ۵، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۱
- ۴- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱، ۴، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴
- ۵- ابن فارس، احمد، الصحی فی الفقه اللغة العربیه، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۳۷۶
- ۶- بستانی، فواد، فرهنگ ابجدی عربی، مترجم: رضا مهیار، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۵
- ۷- تهانومی، محمد علی، کشف اصطلاحات الفنون، ج ۱، مکتبه اللبنان ناشرون، بیروت، ۱۹۹۶
- ۸- الجوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و محاح العربیه، ج ۵، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۳۷۶
- ۹- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین، مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ۳، دار القلم، بیروت، ۱۴۲۱

- ١٠- زبيدي، محمد بن محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ٧، دارالفكر، بيروت، ١٤٠٤
- ١١- الرزقاني، محمد بن عبدالعظيم، مناهل العرفان في علوم القرآن، ج ١، دارالاضيا التراث العربى، بيروت، بى تا
- ١٢- سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن بن ابى بكر، الاتقان فى علوم القرآن، ج ٢، دارالكتاب العربى، بيروت، ١٤٢١
- ١٣- سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن بن ابى بكر، المزهر فى علوم اللغه و انواعها، ج ١، دارالفكر، بيروت، بى تا
- ١٤- سهيلي ؟؟ - ابوالقاسم، التعريف و الاعلام فيما ابهم من الاسما و الاعلام فى القرآن الكريم، دارالكتب العلميه
بيروت، ١٤٠٧
- ١٥- طباطبايى، محمدحسين، تفسير الميزان، ج ١، ٣، ١٠، جامعه مدرسين حوزه علميه، دفتر انتشارات اسلامى
قم، ١٣٧٨
- ١٦- طبرسى، امين الاسلام، مجمع البيان، ج ١، فراهانى، تهران، ١٣٥٩
- ١٧- فيومى، احمد بن محمد، المصباح المنير، ج ١، دارالهجره، صم، ١٣٨٣
- ١٨- فراهيدى، خليل بن احمد، العين، ج ٧، هجرت، قم، ١٤٠٩
- ١٩- كلينى، ابوجعفر محمد بن ؟؟ اصول كافى، ج ١، ٤، دارالكتب الاسلاميه، بيروت، ١٤٢٨.
- ٢٠- معرفت، محمدهادى، التلخيص ؟؟، ج ١، مؤسسه نشر الاسلامى، قم، ١٤٠٣.
- ٢١- مصطفوى، حسن، التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، دارالكتب العلميه، بيروت، بى تا
- ٢٢- مجلسى، محمدباقر، بحار الانوار، ج ٨، ٨٩، دارالحياه التراث العربى، بيروت، ١٤٤
- ٢٣- مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، بوستان كتاب، قم، ١٣٨٩
- ٢٤- هاشمى، احمد، جواهر البلاغه فى ؟؟؟ البيان و البديع، حوزه علميه قم، قم، ١٣٨١

